Rrasteh Mogadam *Scholarship in Educational Leadership and Management Journal* (SELMJ) (2024) 1:1

Scholarship in Educational Leadership and Management Journal (SELMJ)

Original Article **Published online: 21 September 2024**

تاملی بر نخستین کتاب مدیریت آموزشی در ایران

آرش رسته‌مقدم [1*]

* نویسنده مسئول:

Arasteh59@yahoo.com

۱. دکتری مدیریت آموزشی دانشگاه علامه طباطبائی (ره)

چکیده

پیکره دانش رشته‌های علمی از مجرای نگارش کتاب‌های تخصصی آن حوزه عرضه می‌گردد. در این بین، نخستین کتاب‌های هر رشته علاوه بر جایگاه علمی به لحاظ تاریخی نیز از اهمیت بالایی برخوردار هستند. مقاله حاضر با کاربست روش پژوهش تاریخی به معرفی و بررسی نخستین کتاب مدیریت آموزشی در کشور تحت عنوان «سازمان فرهنگ و رهبری آن» که «محمدعلی طوسی» در سال ۱۳۴۲ آن را تالیف کرده، پرداخته‌است. یافته‌ها نشان می‌دهد کتاب مذکور از ویژگی‌هایی از جمله «شیوه نگارش روان و زبان سلیس»، «استفاده از مثال‌های محلی و بومی»، «وجود مطالب منظم و منسجم»، «بهره‌مندی از منابع اصیل مدیریت آموزشی و جامعه‌شناسی» و «توجه همزمان به مبانی علمی و تجربی مدیریت آموزشی» برخوردار است. در پایان، به شرایط اجتماعی و فرهنگی حاکم بر دهه چهل شمسی که بر نگارش کتاب مذکور تأثیرگذار بوده، اشاره شده‌است.

واژه‌های کلیدی: تاریخ مدیریت آموزشی، نظام آموزش و پرورش ایران، محمدعلی طوسی

انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۶/۳۱

این نشریه توسط انتشارات آکادمی علوم منتشر می گردد.

This work is licensed under Creative Commons Attribution 4.0 International. To view a copy of this license, visit https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/

[Downloaded from mail.selmj.ir on 2026-11-18]

سرآغاز

تدوین کتب درسی دانشگاهی به جهت تأمین محتوای آموزشی (تدریس)، تقویت بنیه نظری و برطرف نمودن نیازهای جامعه از اهمیت بسزایی برخوردار است که می‌توان آن را یکی از نشانه‌های رشد یافتگی و بلوغ رشته‌های علمی دانست. در حوزه مدیریت آموزشی با توجه به حساسیت و پیچیدگی نظام آموزش و پرورش، ضرورت و اهمیت پرداختن به این موضوع دوچندان است. تدوین متون درسی مدیریت درکشور با ترجمه کتب اندیشمندان غربی این حوزه از دهه سی، به همت انتشارات «فرانکلین» و «کتابفروشی ابن‌سینا» آغاز شد. اولین اثر، کتاب «اصول سازمان اداری» تالیف «اورویک»[۱] بود که توسط «سیروس پرهام» در سال ۱۳۳۴ ترجمه و از طریق «چاپخانه تهران مصور» به بازار عرضه گردید.[۲]

نخستین کتاب مدیریت آموزشی در ایران، هشت سال پس از کتاب فوق‌الذکر توسط «محمدعلی طوسی» در سال ۱۳۴۲ با عنوان «سازمان فرهنگ و رهبری آن» نگارش شد. این کتاب در شرایطی نوشته شد که قریب یک سده از نگارش اولین کتاب این حوزه در غرب گذشته بود. اولین کتاب مدیریت آموزشی در غرب با عنوان «خطابه‌هایی در باب مدرسه‌داری»[۳] در سال ۱۸۲۹ میلادی مطابق با ۱۳۰۷ هجری شمسی توسط «ساموئل هال»[۴] نگارش شد (رسته‌مقدم، ۱۳۹۷ الف). در حالی‌که در سال مذکور، اساساً دانش‌آموخته-ای در زمینه مدیریت آموزشی در داخل کشور وجود نداشته تا امکان نگارش کتاب درسی در این حوزه میسر باشد.[۵] البته در دهه چهل، افرادی[۶] در حوزه مدیریت آموزشی دانش‌آموخته شده بودند اما در این حوزه اثری خلق نکردند.

دغدغه‌ی نویسندگان نسل اول مدیریت آموزشی در دنیا، در بدو امر بر موضوعات مدیریتی، کنترلی و بازرسی در سطح کلاس درس متمرکز بود. بیش‌تر اساتید این حوزه، مدیران مدارس و یا معلمان باسابقه- اما فاقد دانش نظری مدیریت آموزشی- بودند. ادراکی که از مدیریت آموزشی وجود داشت، در سطح مدیریت مدرسه (آموزشگاه)[۷] و محدود به مدیریت کلاس[۸] بود. نمونه‌هایی از این دیدگاه در نوشته‌های افرادی همچون رواب[۹] (۱۸۸۲) و تا حدودی ویلیام پاین[۱۰] (۱۸۷۵) متبلور است (رسته‌مقدم، ۱۴۰۲). در ایران، محتوای اولین کتب مدیریت آموزشی-بر خلاف کتب مدیریت آموزشی در غرب که در برگیرنده تجارب اجرایی مدیران مدارس است- از غنای نظری قابل‌توجهی برخودار است. به نظر می‌رسد، علت این موضوع را باید به دانش پیشگامان مدیریت آموزشی کشور نسبت داد که جملگی دانش‌آموختگان دانشگاه‌های معتبر آمریکایی بودند. آنها به خوبی در نگارش کتب خود از منابع اصیل خارجی بهره‌مند گرفتند. کتب تألیفی در ایران نسبت به آثار ترجمه‌شده-که به دنیای مدرسه نزدیک‌تر است- از جنبه مفهومی و انتزاعی بیشتری برخوردارند (مظلومی، خلخالی و شکیبایی، ۱۳۹۹).

---

[1]. Urwick

[۲] . سایر کتاب‌ها عبارتند از: «فن اداره امور عمومی» نوشته جان فیفنر، ونس و پرستون ترجمه بهاءالدین پازارگارد (سال ۱۳۳۴)، «فن اداره» نوشته هربرت سایمون، دونالدوسمیت بورگ، ویکتورا و تامپسون ترجمه علی اصغر مهاجر (سال ۱۳۳۴)، «اصول فن اداره» هنری فایول ترجمه هادی هدایتی (سال ۱۳۳۷)، «نظریات و مباحثی در فن اداره امور عمومی» نوشته دوایت والدو ترجمه هوشنگ پیرنظر (سال ۱۳۳۶) و بعد از آن کتاب‌های «اصول علوم اداری» نوشته عبدالحمید قائم مقامی (سال ۱۳۴۰)، «تجزیه و تحلیل امو اداری» نوشته محمد سام (سال ۱۳۴۰) (دانایی‌فرد، ۱۳۹۵). بعدها کتاب «سازمان و مدیریت» توسط علی‌محمد اقتداری (۱۳۵۰) و کتاب «سیر اندیشه اداری و مبانی علم اداره» به همت محمدعلی بشارت (۱۳۵۲) نوشته شدند.

[3]. Lectures on School Keeping

[4]. Samuel Hall

۵ . «عیسی صدیق» در همان سال (۱۳۰۷) کتاب «اصول عملی علم تربیت» منتشر کرد.

[۶] . از جمله: «محمدعلی فرجاد»، «محمدعلی بشارت»، «ناصر میرسپاسی»، «سید مهدی الوانی»، «ابوالفضل صادق‌پور»، «جلال مقدس» و «محمد صائبی» از دانش‌آموختگان مقطع کارشناسی ارشد و دکترای مدیریت آموزشی در دهه چهل بودند.

[7]. School Administration

[8]. Classroom Management

[۱۰]. Roub

[۱۰]. William Harold pyne

[Downloaded from mail.selmj.ir on 2026-11-18]

در مقاله حاضر، تاریخ مدیریت آموزشی از منظر نگارش اولین کتاب منتشرشده در این حوزه بررسی شده تا ضمن بازخوانی محتوای علمی کتاب، پاسداشتی از خدمات علمی مؤلف به عمل آید. بدین منظور از روش پژوهش تاریخی بهره گرفته شده‌است. روش پژوهش تاریخی یکی از روش‌های کیفی است که با استفاده از منابع اولیه و ثانویه به بررسی و معناداری رخدادهای تاریخی در بستر زمانی و مکانی می‌پردازد.

نخستین کتاب مدیریت آموزشی در ایران

چاپ نخست کتاب «سازمان فرهنگ و رهبری آن» در سال ۱۳۴۲ توسط انتشارات «تهران مصور» در ۱۱۰ صفحه منتشر شد. «طوسی» در ابتدای پیشگفتار کتاب چنین می‌گوید:

«این کتاب را به مدیران مدارس و رؤسای فرهنگ ایران که کار پرارج و بزرگ اداره سازمان‌های فرهنگی کشور را بر عهده دارند تقدیم می‌کنم»

وی در ادامه به ضرورت، اهمیت و سنگینی مسئولیت مدیریت سازمان‌های فرهنگی اشاره می‌کند و اینکه هنوز مسائل مربوط به این تخصص به درستی مشخص و روشن نشده است. ایشان کتاب حاضر را دستاورد مطالعه در رشته امور اداری و تجربه مدیریت در دستگاه فرهنگی در خارج از ایران می‌داند که با هدف اشتراک‌گذاری تجارب برای مدیران و مسئولان فرهنگ ایران نوشته شده‌است. این کتاب افزون بر پیشگفتار، شامل ۹ فصل «بوروکراسی»، «اصول سازمان اداری»، «تصمیم‌گیری در سازمان»، «تصمیم‌گیری در سازمان فرهنگی»، «رهبری و مدیریت در سازمان‌ها»، «رهبری سازمان‌های فرهنگی»، «اداره امور سازمان‌های فرهنگی»، «مرکزیت و عدم مرکزیت در سازمان‌های فرهنگی» و «شیوه فرهنگی ایران» است که در ادامه معرفی می‌شود.

فصل اول: بوروکراسی

در این فصل به زمینه‌های شکل‌گیری سازمان‌های جدید اشاره شده‌است. سازمان‌های امروزی نتیجه عوامل و تغییرات محیطی هستند که اداره آنها نیازمند تدوین قوانین و مقررات است. در مقابل این تغییرات و به‌منظور پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه، سازمان‌های مختلف با اهداف علمی، فرهنگی، صنعتی و... ایجاد شدند. اداره کردن سازمان‌ها نیازمند اصولی است که بتوانند نیازهای مردم و اهداف سازمان‌ها را به صورت توأمان برآورده سازند و بوروکراسی همان اصولی (تقسیم کار، سلسله مراتب، استخدام بر حسب تخصص، جدایی مالکیت از مدیریت و...) است که بر اساس آن، سازمان‌ها فعالیت خود را تنظیم می‌کنند. در ادامه به اصول بورکراسی از دیدگاه «وبر»،[1] «مرتون»[2] و «پارسونز»[3] اشاره شده است.

[1]. Weber
[2]. Merton
[3]. Parsons

[Downloaded from mail.selmj.ir on 2026-11-18]

فصل دوم: اصول سازمان اداری

در این فصل، ابتدا به تعریف «سازمان» اشاره شده‌است. سازمان عبارت است از «کوشش و همکاری جمعی و آگاهانه عده‌ای از افراد برای رسیدن به اهداف مشترکی که هر یک از آنها به تنهایی از رسیدن به آن اهداف عاجزند». در واقع، سازمان، وسیله‌ای جهت تحقق اهداف مشترک است که بر پایه اصولی شکل گرفتند. «طوسی» در فصل قبل به بخشی از اصول از منظر بوروکراسی اشاره کرده و در فصل دوم به سایر اصول سازمانی که تداعی‌کننده اصول چهارده‌گانه « هنری فایول»[1] است، می‌پردازد. این اصول عبارتند از: ۱-اصل ترکیب سازمانی ۲-اصل وحدت هدف ۳-اصل وحدت قدرت اجرائی ۴-اصل اختیار و مسئولیت ۵-اصل هماهنگی ۶-اصل ثبات (برنامه‌ها) ۷-اصل انعطاف‌پذیری (توجه به تغییرات محیطی) ۸-اصل تقسیم‌کار ۹-اصل حیطه نظارت ۱۰-اصل تصمیم‌گیری ۱۱-اصل ارزشیابی

فصل سوم: تصمیم‌گیری در سازمان

تصمیم‌گیری در سازمان به مثابه قلب در بدن انسان است. در واقع، تصمیم‌گیری، قلب مدیریت است. «بارنارد»[2] یکی از صاحبنظران مدیریت، تصمیمات را دو سطح فردی و سازمانی تقسیم می‌کند. «پارسونز» با توجه به اینکه چه کسی در خصوص استفاده از منابع تصمیم‌گیری می‌کند، به سه سطح تصمیم‌گیری از جمله الف) تصمیمات عالی که با اهداف عالی و اصلی سازمان مرتبط است. ب) تصمیمات اختصاصی که با توزیع و تقسیم منابع بین بخش‌های مختلف سازمان و استفاده از افراد متخصص در تصمیم‌گیری می‌پردازد. ج) تصمیمات برای هماهنگ ساختن کارها، اشاره دارد. در پایان به موضوع مرکزیت و عدم مرکزیت به لحاظ سطح تصمیم‌گیری، محل و موقعیت جغرافیایی توجه شده است.

فصل چهارم: تصمیم‌گیری در سازمان فرهنگی

در ابتدای فصل به دو نوع تصمیم سیاستی و اجرایی در سازمان‌های فرهنگی (آموزشی) اشاره شده است. سپس عوامل مؤثر در تصمیم‌گیری از جمله: «داشتن اطلاعات فنی و تخصصی»، «توجه به انتظارات و افکار عمومی» و «لحاظ‌نمودن جوانب اجتماعی» ذکر شده‌اند. در ادامه، با طرح چند پرسش به ماهیت انواع تصمیمات در سازمان‌های فرهنگی پرداخته شده است. پرسش‌هایی از قبیل:

الف) چه افرادی را باید تربیت کنیم؟ این تصمیم بستگی به قوانین و مقررات کشور دارد و جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی باید لحاظ شود.

ب) چه نوع تعلیم و تربیتی را باید برای این افراد فراهم کرد؟ این تصمیم نیازمند داشتن اطلاعات و دانش فنی و تخصصی است.

ج)چه وسائلی برای تربیت این افراد لازم است؟ اشاره به جنبه‌های اداری و مدیریتی دارد.

در انتهای فصل «جریان/ فرآیندتصمیم‌گیری» شامل ۱-هدف تصمیم‌گیری ۲-جمع‌آوری اطلاعات ۳-توجه به راه‌حل‌های مسأله ۴-ارزیابی ارزش نسبی هر راه حل ۵-اجرا ۶-ارزشیابی تشریح شده‌است.

[1] .Henri Fayol
[2]. Barnard

[Downloaded from mail.selmj.ir on 2026-11-18]

فصل پنجم: رهبری و مدیریت در سازمان‌ها

این فصل با اشاره به تفکیک مدیریت از مالکیت در بعد از انقلاب صنعتی آغاز می‌شود. در ادامه، به نظریات مختلفی که در خصوص رهبری وجود دارد، اشاره شده است. «نظریه صفات و خصوصیات» به‌عنوان قدیمی‌ترین نظریه تشریح شده و سپس به مبانی قدرت رهبری از دیدگاه «وبر»، «لیندگرن»[1] و «لینتون»[2] توجه شده است. مبانی قدرت رهبری از نگاه وبر بر سه پایه استوار است. الف) رهبری عقلانی و منطقی که منبع قدرت مقام رسمی است ب) رهبری مبتنی بر سنت‌ها کهمنبع قدرت سنت‌های فرهنگی هستند ج) رهبری مبتنی بر کاریزما که منبع قدرت خصوصیات شخصیتی و فردی است. «لیندگرن» به سه گونه رهبری تحت عناوین «رهبری والدینی»، «رهبری تدبیری» و «رهبری هنرمند در فن و رابط انسانی» اشاره دارد. «لینتون» با تحلیل رفتار افراد در چارچوب مقام و نقش به دو نوع رهبری الف) انتصابی و ب) انتخابی می‌پردازد. در پایان فصل به رهبری به‌عنوان یک پدیده اجتماعی که متأثر از موقعیت اجتماعی (نه برگفته از مقام رهبری) است؛ توجه شده‌است.

فصل ششم: رهبری سازمان‌های فرهنگی

رهبری فرهنگی اشاره به اقدام و رفتاری دارد که افراد را به سوی اهداف فرهنگی مورد پذیرش همگان سوق می‌دهد. این اقدام متأثر از نوع اهداف تعلیم و تربیت هر کشور است و چگونگی سبک رهبری (استبدادی/مشارکتی) را مشخص می‌کند. مهم‌ترین اقدامات رهبری شامل مواردی از قبیل: الف) یاری به مردم در تعیین و تشخیص اهداف و مقاصد تعلیم و تربیت ب) بهبود جریان تعلیم و تربیت و بالابردن تاثیر فعالیت‌های آموزشی ج) ایجاد یک واحد سازمانی موثر و مفید فرهنگی (نهادسازی) د) ایجاد زمینه مساعد برای رشد و نمو نیروی رهبری است.

فصل هفتم: اداره امور سازمان‌های فرهنگی

اداره امور سازمان فرهنگی اشاره به روابط داخلی و برون‌سازمانی در سازمان‌های فرهنگی با سایر نهادها دارد. در این فصل که محتوای مطالب بیشتر رنگ و بوی رفتار سازمانی دارد به روابط درون سازمان در ارتباط با «مشخص کردن وظایف و اهداف سازمان و افراد»، «تفویض اختیار»، «توجه به شایستگی افراد»، «توجه به تصمیمات آگاهانه و مبتنی بر اطلاعات»، «توجه به ارتباطات غیررسمی» و اخذ نظرات کارکنان»، «توجه به روابط انسانی» و ... توجه شده است.

فصل هشتم: مرکزیت و عدم مرکزیت سازمان‌های فرهنگی

این فصل به موضوع مهم تمرکز تصمیم‌گیری در سازمان پرداخته‌است. میزان تمرکز و مرکزیت در نظام فرهنگی تابعی از نظام سیاسی کلان جامعه و شیوه مملکت‌داری است که خود از عوامل متعددی از جمله «تنوع اقوام»، «وسعت جغرافیایی»، «شرایط اجتماعی و سیاسی» و... تبعیت می‌کند. در ادامه، به سبک متمرکز که در آن تدوین اهداف، برنامه‌ها و... توسط گروه معدودی صورت می‌گیرد،

[1]. Lindgren
[2]. *Linton*

[Downloaded from mail.selmj.ir on 2026-11-18]

اشاره شده است.همچنین، مزایای شیوه غیرمتمرکز که منجر به به افزایش مشارکت مردم در تنظیم اهداف و سهولت در نظارت بر اهداف است، تشریح شده‌است. این فصل با ذکر مزایا و معایب هر یک از شیوه‌های متمرکز و غیرمتمرکز خاتمه می‌یابد.

فصل نهم: شیوه فرهنگی ایران

در ابتدای فصل با توجه به وضعیت جغرافیایی و تنوع زبانی، قومیتی و نژادی، مناسب‌ترین شیوه فرهنگی در ایران، اتخاذ سبک متمرکز در تصمیم‌گیری با لحاظ نمودن مقتضیات محلی ذکر شده و سپس به تغییرات ساختار و تشکیلات وزارت فرهنگ از سال ۱۲۸۹ تا ۱۳۳۷ -که بدون توجه به مقتضیات و نیازها صورت گرفته- اشاره شده است. در ادامه، به برخی از نارسایی‌های وزارت فرهنگ از قبیل: «ابهام در اهداف تعلیم وتربیت»، «تغییرات سریع مسئولان اداری و آموزشی»، «دخالت سیاست در فرهنگ»، «عدم اطلاع کارکنان وزاتخانه از وظایف خود»، «عدم تخصص و کاردانی کارکنان اداری و آموزشی»، «وجود قوانین و مقررات زیاد و بعضا متضاد»، «اعمال روابط و رفیق‌بازی و حب و بغض در انجام وظایف» اشاره می‌شود. در بخش پایانی کتاب، طرح پیشنهادی تغییر ساختار جدید وزارت فرهنگ مشتمل بر چهار معاونت «تعلیمات ابتدایی و سپاه دانش»، «تعلیمات متوسطه و عالی»، «اداری و مالی» و «برنامه‌ریزی و مطالعات و تحقیقات» ارائه شده است.

فرجام (دلالت‌های ضمنی)

از دیرباز، در نگارش منابع درسی علوم تربیتی در کشور، اولویت با موضوعات مرتبط با «تربیت معلم» و «تاریخ، مبانی و فلسفه تعلیم و تربیت»[۱] بوده و تدوین کتب درسی مدیریت آموزشی- هم نسبت به سایر گرایش‌های علوم تربیتی و روانشناسی و هم نسبت به تولید متون مدیریت آموزشی در خارج از کشور- با تأخیر صورت گرفته‌است. از آنجایی‌که طوسی نخستین اثر علمی در حوزه مدیریت آموزشی را نگاشته و قبل از آن در این حوزه اثری تولید نشده‌است، بنابراین امکان مقایسه کتاب وی با آثار قبلی وجود ندارد.[۲] هدف مقاله حاضر نیز، مقایسه کتاب مذکور با سایر آثار-داخلی یا خارجی- منتشر شده قبل یا بعد از انتشار کتاب وی نیست.

طوسی در فصول اول و دوم به نظریات کلاسیک مدیریت از جمله نظریه بوروکراسی وبر و اصول چهارده‌گانه نظریه مدیریت اداری فایول، در فصل‌های سوم و چهارم به موضوع تصمیم‌گیری و عوامل و متغیرهای تأثیرگذار بر تصمیم‌گیری در سازمان‌های فرهنگی (آموزشی)، در فصول پنجم و ششم به مفهوم رهبری و کارکرد آن در سازمان‌های آموزشی، فصل هفتم به روابط سازمان فرهنگی با محیط و نقش مهم متغیرهای رفتار سازمانی، فصل هشتم به متغیرهای تأثیرگذار بر میزان تمرکز و عدم تمرکز تصمیمات در سازمان‌های فرهنگی و در فصل نهم به شیوه اداره سازمان فرهنگی در کشور-که تلفیقی از توجه به تمرکز و مقتضیات محیطی است-

---

[۱] . از جمله آثار اولیه در زمینه تعلیم و تربیت عبارتند از: کتاب‌های «اصول عملی علم تربیت» (۱۳۰۷)، «روش نوین در تعلیم و تربیت» (۱۳۱۴)، «تاریخ مختصر تعلیم و تربیت» (۱۳۱۶)، «دوره مختصر تاریخ فرهنگ ایران» (۱۳۳۴)، جملگی تالیف دکتر عیسی صدیق. کتاب «اصول تعلیم و تربیت» (۱۳۱۴) تألیف و اقتباس نصرالله فلسفی، کتاب «آموزش و پرورش» (۱۳۱۶) تالیف حبیب‌الله آموزگار، کتاب «اصول آموزش و پرورش» (۱۳۳۵) تالیف محمدباقر هوشیار... کتاب «اصول آموزش و پروش» (۱۳۳۹) ترجمه محمود میرآفتاب و...

[۲] . هر چند عنوان کتاب وی با گزارشی که در سال ۱۳۴۱ تحت عنوان «سازمان وزارت فرهنگ و مدیریت و رهبری آن» ترجمه کرد این شائبه را تقویت می‌کند که ممکن است کتاب مذکور متاثر از محتوای ترجمه گزارش فوق باشد. با وجود پیگیری صورت‌گرفته، امکان دسترسی به ترجمه گزارش فوق برای نویسنده مقاله حاضر میسر نگردید.

[Downloaded from mail.selmj.ir on 2026-11-18]

پرداخته است. در بخش انتهایی (ضمیمه) دانش علمی خود در زمینه سازمان و مدیریت را به عرصه عمل پیوند داده و با توجه به تجربیات گذشته و آگاهی از مسائل و مشکلات نظام آموزش و پرورش، ساختار جدید وزارت فرهنگ را پیشنهاد کرده است.[۱]

از ویژگی‌های برجسته کتاب مذکور می‌توان به «شیوه نگارش روان»، «زبان سلیس و استفاده از مثال‌های محلی و بومی»، «وجود مطالب منظم و منسجم»، «استفاده از منابع (۱۴ منبع) دست اول و به‌روز صاحبنظران غربی[۲] مدیریت آموزشی-از جمله گریفیث[۳]، مورفت،[۴] هالپین،[۵] سایمون[۶] و بارنارد- و اندیشمندان جامعه‌شناسی از قبیل مرتون، وبر، بلو و پارسونز»، «توجه همزمان به مبانی نظری مدیریت آموزشی (فصول اول، دوم، سوم و پنجم) و پرداختن به موضوعات کاربردی و اجرایی (فصل نهم)» و «استفاده از مفهوم «رهبری» در عنوان کتاب» اشاره کرد.کاربست مفهوم مذکور می‌تواند نشان‌دهنده باور بایسته طوسی از شیوه و سبک مناسب (رهبری به جای مدیریت) جهت هدایت نظام آموزش و پرورش و همچنین فهم عمیق ایشان از تحولات مفهومی مطالعات مدیریت آموزشی در سطح جهانی باشد.گواه این مدعا، گسترش مفهوم رهبری در پژوهش‌های مدیریت آموزشی خارج کشور از دهه هفتاد میلادی (دهه پنجاه شمسی) به بعد است. به طوری‌که مفهوم «رهبری» یکی از چهار اقلیم دانش این حوزه را اختصاص داده‌است (رستمقدم، ۱۳۹۷ ب).

باید توجه داشت که کتاب مذکور زمانی نگارش شد که نه تنها در زمینه مدیریت آموزشی کتابی وجود نداشت[۷] بلکه رشته مدیریت آموزشی نیز شکل نگرفته بود. به نظر می‌رسد، انتشار کتاب مذکور در تسریع شکل‌گیری رشته مدیریت آموزشی در کشور تأثیرگذار بوده‌است. البته انتشار کتاب طوسی را باید در پیوند با شرایط و مقتضیات نظام کلان سیاسی و اجتماعی دهه چهل نگریست. دهه‌ای که بین آموزش و پرورش و فرهنگ پیوندی ناگسستنی برقرار بود. به طوری‌که «وزارت آموزش و پرورش» را «وزارت فرهنگ» می‌نامیدند[۸] و مدرسه مهم‌ترین ابزار تعالی فرهنگ در جامعه قلمداد می‌شد. در دهه مذکور رهبران سیاسی-به دلایل متعدد- با طرح ایده اصلاحات ارضی (انقلاب سفید/شاه و مردم) درصدد ایجاد تحول در بخش‌های مختلف جامعه از جمله نظام آموزش و پرورش برآمده بودند. انتشار «گزارش مشاوران ماورای بحار» در سال ۱۳۲۷ حکایت از وضعیت نامناسب آموزش و پرورش کشور به لحاظ

---

[۱]. یک سال بعد از انتشار کتاب مذکور (۱۳۴۲) ساختار و عنوان «وزارت فرهنگ» به «وزارت آموزش و پرورش» در سال ۱۳۴۳ تغییر پیدا کرد. به نظر می‌رسد، با توجه به حضور و نفوذ طوسی در محافل تصمیم‌گیری مرتبط با آموزش و پرورش، تغییرات صورت‌گرفته می‌تواند متأثر از طرح پیشنهادی تغییر ساختار وی بوده باشد.

۲ . برخی از منابع از جمله کتاب‌های «بوروکراسی در اجتماع نو»، نوشته «پیتر بلو» و «وظایف مدیران» اثر «چستر بارنارد» به ترتیب در سال ۱۳۴۴ و ۱۳۶۸ توسط طوسی ترجمه شدند.

3. Griffiths

4. Morphet
5. Halpin
6. Simon

[۷] . البته در زمینه مدیریت عمومی کتاب‌های معدودی ترجمه شده بود که طوسی در نگارش کتاب خود از آنها بهره نبرده است. به لحاظ زمانی نزدیک‌ترین کتاب مدیریت آموزشی بعد از انتشار کتاب طوسی، کتاب «مقدمات مدیریت آموزشی» تألیف دکتر علی علاقه‌بند است که نگارش آن در سال ۱۳۵۲ آغاز و سال‌ها به صورت پلی‌کپی منتشر و تدریس می‌شد. ویراست نخست کتاب مذکور در سال ۱۳۵۸ توسط «نشر واژه» منتشر و از طریق «انتشارات رَز» توزیع گردید (رستمقدم، ۱۴۰۱).

[۸] . دستگاه متولی آموزش و پرورش از سال ۱۳۱۸ تا ۱۳۴۳ «وزارت فرهنگ» نامیده می‌شد. قبل از سال ۱۳۱۸ «وزارت معارف، اوقاف و صنایع مستظرفه» نام داشت و بعد از سال ۱۳۴۳ به «وزارت آموزش و پرورش» تغییر پیدا کرد.

[Downloaded from mail.selmj.ir on 2026-11-18]

فلسفی، ساختاری و مدیریتی داشت. تشکیل «سپاه دانش» به‌عنوان یکی از اصول انقلاب سفید، لزوم بازآرایی ساختار و تقویت بنیه معلمی و مدیریتی نظام آموزش و پرورش را بیش از پیش نمایان ساخت. زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی مذکور از جمله عوامل مؤثری بودند که طوسی جوان (۳۲ ساله) را ترغیب نمود تا از مجرای نگارش کتاب مذکور به جرگه بازیگران تحول در نظام آموزش و پرورش بپیوندد و در شکل‌گیری و توسعه رشته مدیریت آموزشی تأثیرگذار باشد.

منابع

دانایی‌فرد، حسن (۱۳۹۵). نهضت‌های مدیریتی در بخش دولتی-گذشته، حال و آینده (جلد اول). تهران. انتشارات سمت. چاپ اول.

رسته‌مقدم، آرش (۱۴۰۲). درآمدی بر پارادایم انتقادی در مدیریت آموزشی. فصلنامه پژوهش‌های رهبری و مدیریت آموزشی، ۷ (۲۶)، ۱۸۰-۲۰۸.

رسته‌مقدم، آرش (۱۴۰۱). بر بلندای ریشه‌ها: تأملی بر زندگی و خدمات علمی دکتر علی علاقه‌بند، فصلنامه پژوهش‌های رهبری و مدیریت آموزشی، ۶ (۲۳)، ۲۳-۱.

رسته‌مقدم، آرش (۱۳۹۷ الف). تاریخ‌نگاری مدیریت آموزشی در ترازوی نقادی. فصلنامه پژوهش‌های رهبری و مدیریت آموزشی، ۵ (۱۸)، ۱۳۴-۱۶۹.

رسته‌مقدم،آرش(۱۳۹۷ب). چهار اقلیم دانش مدیریت آموزشی، رویکردی تاریخ‌نگاشتی. پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت، ۸ (۲)، ۴۹-۶۵.

طوسی، محمدعلی (۱۳۴۰). خلاصه‌ای از گزارش مشاوران ماوراء بحار در مورد هدف فرهنگ. نشریه شماره۱-شورای مطالعه در هدف فرهنگ ایران. انتشارات مرکز تحقیق و مطالعه و اسناد فرهنگی وزارت فرهنگ. ص ۲۱-۳۰.

مظلومی، عادل؛ خلخالی، علی و شکیبایی، زهره (۱۳۹۹). کتاب‌شناسی تطبیقی و انتقادی موضوعی متون تألیفی و ترجمه‌ای دانش مدیریت آموزشی در ایران. نشریه پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، ۲۴ (۴۷)، ۱۳۸-۱۱۹.

[Downloaded from mail.selmj.ir on 2026-11-18]